


دوره‌نامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۵، شماره ۱، (پیاپی ۸۶/۱) بهار و تابستان ۱۴۰۱

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

10.52547/HLIT.2022.227116.1124 

## بررسی انتقادی تصحیح بحر المعانی (ص ۱۰۵-۱۳۲)

سمیه جبارپور<sup>۱</sup>

### چکیده

کتاب بحر المعانی مجموعه‌ای از نامه‌های عرفانی صوفی طریقه چشتیه، سید محمد بن نصیرالدین جعفر مکی حسینی (۷۳۲-۸۲۵ ه. ق.) است که به تصحیح و تحقیق دکتر محمدسرور مولایی از سوی انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی (گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره) در سال ۱۳۹۷ چاپ و منتشر شده است. این کتاب پس از چاپ سنگی در ۱۸۸۹ م. در مرادآباد (ندیمی هرندی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۰۱)، نخستین چاپ و تصحیح از بحر المعانی است، لکن آشفتگی‌ها و نابسامانی‌هایی به دلیل انباشت کلمات و عبارات نادرست و ناخوانا و گاه مبهم در سراسر متن کتاب دیده می‌شود. این امر، از یک سو به تصحیح کتاب برمی‌گردد که جا داشت مصحح ضمن مقایسه تطبیقی نسخه یا نسخ بحر المعانی با مآخذ مورد مراجعه مؤلف، بدخوانی‌های وی یا احیاناً کاتبان را رفع و تصحیح می‌کرد؛ از سوی دیگر به مؤلف اثر مربوط است که بخش زیادی از کتابش، نقل بدون ارجاع مطالب آثار عرفانی پیشین است و وی در ذکر این مطالب چندان دقیق نبوده و با حذف و اضافه‌های نادرست، به انسجام و روانی و یکپارچگی متن کتاب لطمه زده و درک معنا را در موارد زیادی با ابهام مواجه کرده است. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا مشکلات و مسائل چاپ مذکور بحر المعانی را با رویکردی انتقادی بررسی کنیم.

**کلید واژه‌ها:** بحر المعانی، نقد، تصحیح، مکی حسینی، نامه‌های عرفانی.

## A Critique of the Critical Edition of *Bahr al-Ma'āni*

Somayeh Jabbarpour<sup>1</sup>

### Abstract

*Bahr al-Ma'āni* is a collection of mystical letters of the Chishti Order Sufi, Seyyed Muhammad ibn Nasir al-Din Ja'far Makki Hosseini (732-825 AH/ 1332-1422). The Academy of Persian Language and Literature (The Department of the Encyclopaedia of Persian Literature and Language in the Subcontinent) published it in 2018, edited by Dr. Mohammad Sarvar Molaei. After a lithography print in 1889 in Moradabad, this book is the first edition of *Bahr al-Ma'āni*, but due to the accumulation of incorrect, illegible, and ambiguous words and phrases, incoherence and disorganization can be seen throughout the book. On the one hand, this is related to the editing process, in which the editor should have revised the misreadings of the author or the scribes by comparing various copies of *Bahr al-Ma'āni* and the sources used by its author. On the other hand, it is related to the fact that a large part of the book is reciting previous mystical works without mentioning the references. By false omissions and additions, the author has impaired the text's coherence, fluency, and integrity, and consequently, in many cases, he has left the reader with considerable ambiguities. In this paper, we have tried to analyze these issues in the abovementioned edition of *Bahr al-Ma'āni* with a critical approach.

**Keywords:** *Bahr al-Ma'āni*, critique, critical edition, Makki Hosseini, mystical letters

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

1. PhD of Persian Language and Literature (Mystical Literature), Urmia University, Urmia, Iran, email: somaye.jabbarpour@gmail.com

## ۱. مقدمه

بحرالمعانی نوشته سید محمد بن نصیرالدین جعفر مکی حسینی (۷۳۲-۸۲۴ ه. ق.) از عرفای سده هشتم و اوایل سده نهم هجری و از پیروان طریقه چشتیه است. خاندان محمد حسینی اصلاً از سادات حسینی مکه بودند و بعدها پدر حسینی، نصیرالدین جعفر، به هند و دهلی مهاجرت می‌کند (مکی حسینی، ۱۳۹۷: شانزده تا هفده). نصیرالدین جعفر به واسطه آشنایی با مشایخ وقت هند، پسرش محمد را به خواجه نصیرالدین اودهی، از مشایخ صاحب‌نام هند، می‌سپارد تا تربیت معنوی فرزندش را به عهده بگیرد (همان: هفده). از آن پس محمد حسینی به دست شیخ محمود چراغ دهلی وارد طریقه چشتیه شد (رضوی، ۱۳۸۰: ۲۹۶). بر مبنای آگاهی‌های به‌دست‌آمده از نامه‌های بحرالمعانی، حسینی با اینکه علوم رسمی زمانه‌اش را فراگرفته بود، به دلیل ناکارآمد یافتن آن و برای رسیدن به معرفت حقیقی، تحصیل علوم ظاهری را رها کرد و طریقه عرفان و تصوف را برگزید. از مکی حسینی به‌جز بحرالمعانی، مجموعه دیگری از مکاتیب به نام دقایق المعانی - که در بحرالمعانی هم از آن نام برده - نیز موجود است که نسخه‌ای از آن به شماره ۷۸۹۶۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. به نوشته کاتب در آغاز این نسخه، تاریخ تألیف کتاب ۸۲۵ ق. است و در معرفی آن چنین آمده: «حاوی مطالب عالیه عرفان و تصوف که طی ۴۶ مکتوب به عنوان ملک محمود شیخن نگاشته» (مکی حسینی، ۱۳۰۳: برگ ۱). علی‌رغم اینکه مقاله‌ای با عنوان «بررسی محتوایی و سبکی نسخه دقایق المعانی» درباره این اثر تألیف شده (کوپا، ۱۳۸۹)، اما این نسخه و محتوای آن نیاز به بررسی دارد. مصحح بحرالمعانی هم هیچ اشاره‌ای به این اثر در مقدمه کتاب نکرده است.

مخاطب در مواجهه با متن مصحح بحرالمعانی، در وهله اول با ابهامات زیادی در فهم متن روبه‌رو می‌شود و درک معنای کلام حسینی در موارد قابل توجهی برای او دشوار خواهد بود. دلیل اصلی این امر آن است که اغلب نامه‌های بحرالمعانی، تلفیق مطالب متون عرفانی گذشتگان همراه با حذف یا افزوده‌هایی از جانب مؤلف است و به همین دلیل بدخوانی‌های قابل ملاحظه‌ای به متن نامه‌ها راه یافته است. بدیهی است که به هنگام تصحیح کتاب، بایستی با مقایسه تطبیقی نامه‌های بحرالمعانی با متون مأخذ، ایرادات آن رفع می‌شد و در مقدمه نیز مأخذ مورد استفاده حسینی در نگارش بحرالمعانی شناسایی و معرفی می‌شد زیرا مؤلف در هیچ موضع از کتابش، از این منابع نام نبرده و بلکه مطالب آنها را نیز به خود نسبت داده است. در مقدمه کتاب، فقط به تأثیر چشمگیر تمهیدات و نقل مطالب آن در تعداد زیادی از نامه‌های بحرالمعانی اشاره شده و از تأثیر دیگر منابعی که مطالب قابل توجهی از مکتوبات حسینی عیناً از آنجاست، سخنی به میان نیامده است. از آنجا که مأخذشناسی متون، در فن تصحیح بسیار حائز اهمیت است، عدم توجه کافی به این مقوله،

موجب شده تا کلمات مغلوپ فراوانی بدون تصحیح، همچنان در متن کتاب باقی بماند. بنابراین یکی از مزایای حتمی مآخذشناسی متون کهن در فنّ تصحیح، بی بردن به بدخوانی‌های مؤلف یا کاتبانِ نسخ و البته نشان دادن تفاوت‌ها و اختلافات کتاب مصحح با منابع مورد استفاده مؤلف در حواشی یا تعلیقات آن است. با اینکه مصحح محترم کتاب در بخش تعلیقات، ضمن مقایسه اجمالی بخش‌هایی از بحرالمعانی با تمهیدات، ذکر کرده‌اند که کسی که خواهان کسب اطلاع از مشابهت‌ها و اشتراکات این دو متن است، می‌تواند خود شخصاً این مهم را به عهده بگیرد و سپس با دادن شماره صفحات هر دو کتاب، کوشیده‌اند کار را بر این دسته از افراد آسان کنند (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۶۳)، اما باید گفت که نه تنها این کار کافی نیست، بلکه چنین مقایسه و تحقیقی می‌بایست در حین تصحیح کتاب انجام می‌شد زیرا تطبیق این موارد، فقط به دانستن مشترکات این دو متن منتهی نمی‌شود، بلکه نتیجه آن، بی بردن به اختلافات و اشتباهات جدی راه‌یافته به متن نامه‌هاست که به هنگام تصحیح، قطعاً می‌بایستی مطرح و اصلاح می‌شد تا تصحیحی منقح و دقیق پیش روی مخاطب قرار بگیرد. بی توجهی به این مسئله، عمده‌ترین اشکال در تصحیح مذکور بحرالمعانی است و ذیل این مشکل اساسی، عوامل دیگری هم دخیل بوده که در مجموع متنی آشفته و مغشوش و مبهم به دست داده است.

کتاب بحرالمعانی سه بخش دارد: مقدمه محققانه و مفصل مصحح محترم، متن سی‌وشش نامه عرفانی و تعلیقات آخر کتاب. مقدمه شامل مطالبی درباره زندگی شخصی و عرفانی مکی حسینی است که بر اساس اطلاعات به دست آمده از متن نامه‌های مؤلف تنظیم شده است. نامه‌های حسینی، پیکره‌بندی معین و مشخصی دارد که به مثابه الگویی ثابت، در تمام کتاب رعایت شده است. آغاز نامه‌ها عبارات مشخصی هست که در همه مکتوبات مکرر می‌شود و با عباراتی تقریباً مشابه پایان می‌پذیرد که به فارسی است، اما عناوین همه نامه‌ها به عربی است.

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره بحرالمعانی و مؤلف آن، گذشته از تذکره‌هایی چون مرآة الاسرار (چشتی، ۱۹۹۳: ۹۸۷) و اخبار الاخبار فی اسرار الابرار (محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۲۷۳) در تحقیقات معاصرین، می‌توان به کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران اشاره کرد که نویسنده، به اختصار حسینی را معرفی کرده و تاریخ وفات او را ۸۹۱ (? نوشته و علاوه بر بحرالمعانی، چند رساله و کتاب را هم از او دانسته که نیازمند بررسی است (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۴۳). در دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره (ج ۲) نیز مدخلی به بحرالمعانی اختصاص یافته است (ندیمی

هرندی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۰۰ و ۸۰۱). همچنین مقاله «نگاهی به بحرالمعانی» از بلقیس فاطمه حسینی قابل ذکر است که در آنجا، بحرالمعانی و مؤلف آن با تکیه بر اطلاعات مأخوذ از متن نامه‌ها معرفی و بخش‌هایی از کتاب هم انتخاب و چاپ شده است. مقاله «تأثیرپذیری سید محمد مکی حسینی از اندیشه‌های عین‌القضات همدانی؛ با تکیه بر آراء معرفت‌شناسی در بحرالمعانی و تمهیدات» (اصغری، ۱۴۰۱) به گفته نویسندگان آن، به تبیین آراء معرفت‌شناسی مکی حسینی و بررسی تأثیرپذیری وی از تمهیدات پرداخته که با توجه به متن مغشوش و پرغلط نسخه چاپ‌شده بحرالمعانی و تأثر وی از متون مختلف عرفانی، یافته‌ها و نتایج آن چندان قابل اعتماد نخواهد بود. مقاله‌ای هم از راقم سطور با عنوان «تحقیقی در شناسایی منابع و مآخذ بحرالمعانی» به چاپ رسیده (جبارپور، ۱۴۰۰) که در آنجا منابعی که مؤلف بحرالمعانی بدون اشاره به آنها و با انتساب به خود در متن نامه‌ها جای داده، شناسایی و معرفی شده است.

### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. سبک و محتوای بحرالمعانی

اگر در هر یک از نامه‌های بحرالمعانی، تمام جملات و عباراتی را که کلام و عقاید و تجارب باطنی مؤلفان مأخذ مورد استفاده حسینی است، کنار بگذاریم آنچه از مؤلف باقی می‌ماند، از چند صفحه فراتر نمی‌رود. در حقیقت نویسنده بحرالمعانی، با مقدمه و مؤخره‌سازی در نامه‌ها، کوشیده تا یافته‌ها و داشته‌های عرفانی مؤلفان هر کدام از منابعی را که بدون اشاره به نام آنها، در مکتوباتش استفاده کرده است، با تغییر فاعل جملات، به نام تجربیات عرفانی خود ثبت کند. پس از کنار گذاشتن این بخش از نامه‌ها، آنچه باقی می‌ماند و متعلق به حسینی است، از دو جنبه شایان توجه است: یکی، معنی و محتوا و دیگر، زبان و طریقه سخن‌پردازی.

زبان حسینی در قسمت‌هایی که نقل گفته‌های دیگران نیست، بسیار سلیس و شیوا و روان است و واژگانی را به کار می‌گیرد که به احتمال، در محیط زندگی او، دهلی، مستعمل بوده و لذا می‌تواند حائز اهمیت باشد. حتی ساختار و معنای برخی کلمات و ترکیبات به لحاظ زبان‌شناسی قابل توجه است از قبیل: فاکر (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۱۰۲)، بهامد و خوشامد (همان: ۱۲۱)، مخلوص (همان: ۱۲) و نمونه‌های دیگر. لکن در جاهایی که مطالب مأخذ دیگر را عیناً و بدون تغییر نقل می‌کند، نثر کتاب از آن فصاحت و روانی معمول زبان وی فاصله می‌گیرد. مثلاً آنجا که مطالبی را از تمهیدات در لابه‌لای عبارات خود می‌گنجاند، زبان نثر وی به صبغه نثر عین‌القضات به شکل ویژگی‌های زبانی مختص قرن ششم در می‌آید. در چنین مواضعی، با نثری که حاصل آمیزش خصوصیات زبانی دو سده و دو محیط فرهنگی مختلف است مواجه می‌شویم و این موجب می‌شود تا نثر بحرالمعانی نثری کاملاً یک‌دست به نظر نیاید.

### ۳-۲. نقد و بررسی تصحیح بحرالمعانی

#### ۳-۲-۱. نسخه‌شناسی:

نسخه‌های خطی مورد استفاده در تصحیح بحرالمعانی، چنان‌که در مقدمه کتاب آمده، یک چاپ سنگی و سه نسخه خطی است (مکی حسینی، ۱۳۹۷: چهل‌ودو و چهل‌وسه) که از این میان، چاپ سنگی پرغلط و پر از تحریف، اساس تصحیح قرار گرفته و بقیه نسخ به حاشیه برده شده و تنها در موارد معدودی در پانویس متن کتاب به اختلاف ضبط آنها اشاره شده است. گفتنی است که علاوه بر نسخ مورد اشاره مصحح، نسخه‌های دیگری هم از بحرالمعانی وجود دارد (حدود هفده نسخه بر اساس یافته راقم این سطور) که در تصحیح این کتاب مورد توجه نبوده است. تاریخ استنساخ این نسخه‌ها قرن ۱۱ یا ۱۲ یا ۱۳ بوده و تنها دو نسخه بدون تاریخ است که یکی در فهرست نسخ خطی کتابخانه سپهسالار است و دیگری که مصحح نیز اشاره کرده و تصاویری از چندین برگ آن را در ابتدای کتاب آورده است، در موزه ملی پاریس نگهداری می‌شود و میکروفیلم آن به شماره‌های ۱۶۶۵ و ۱۶۶۶ و ۱۶۶۷ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.<sup>۱</sup> نسخه پاریس، بر اساس تطبیق نگارنده با منابع اصلی مورد استفاده مکی حسینی - در مقایسه با دو نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره‌های ۷۸۹۶۱ (تاریخ کتابت: ۱۳۰۳) و ۷۸۶۶۲ (تاریخ کتابت ۱۹۴۱ (احتمالاً)) که بدانها دسترسی داشتیم - به لحاظ ضبط کلمات، از وثاقت و اصالت بیشتری برخوردار است و متأسفانه مصحح، علی‌رغم آوردن تصاویری از آن در ابتدای کتاب، به آن به عنوان نسخه بدل توجه کرده و همان‌طور که گفته شد، متن اساس او همان چاپ سنگی مغلوپ است. در بخش معرفی نسخ خطی کتاب، به روش تصحیح و معرفی ویژگی‌های کامل نسخ خطی مورد استفاده، اشاره‌ای نشده است.

#### ۳-۲-۲. مخاطب نامه‌های حسینی

مخاطب نامه‌های حسینی، شخصی به نام «ملک محمود شیخن» است. درباره این نام نکته‌ای وجود دارد و آن، چندگانگی ضبط واژه شیخن در نسخه‌های مختلف است. در نسخه‌های مورد استفاده مصحح، کلمه به صورت شیخن ضبط شده، لکن ضبط وی در مقدمه کتاب «شیخاً» است و این رسم الخط، تابع تلفظ کلمه است: «ملک محمود به شیخن یا شیخاً شهرت داشته است» (همان: بیست‌ودو و نیز، بیست‌ویک). در نسخه خطی متعلق به کتابخانه درگاه عالیة چشتیه احمدآباد گجرات نام این شخص چنین آمده است: «ملک محمود عرف شیخن» (تارنمای مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور، نسخه شماره ۱۸، میکروفیلم شماره ۱۶). در نسخه مورد مراجعه دکتر فاطمه حسینی هم نام مخاطب نامه‌ها چنین است: «ملک محمود عرف شیخین»

(حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۵ و ۱۵۹). برای دریافت اینکه کدام یک از سه ضبط مذکور اصالت دارد، بیتی در بحرالمعانی ما را به تشخیص ضبط اصلی کلمه نزدیک می‌کند:

من برای شیخن از باطن ز سر      برگشادم صد در از دیوانگی

(مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۲۹۸)

این بیت در اصل از مولانا جلال‌الدین بلخی است (مولوی، ۱۳۸۴: ۱۰۷۲) که حسینی مصراع اول آن را تغییر داده، لکن مصراع دوم بدون تغییر و به صورت اصلی آمده است. آنچه احتمال درستی ضبط شیخن را افزایش می‌دهد، بیش از همه، وزن شعر است زیرا از میان سه ضبط مذکور (شیخن، شجن و شیخین) کلمه «شیخن» با وزن بیت متناسب است.

### ۳-۲-۳. نقد مقدمه مصحح

- مصحح محترم در مقدمه کتاب درباره آثاری که حسینی وعده نوشتن آنها را در نامه‌هایش داده، اذعان کرده که نمی‌داند آیا حسینی به نوشتن آنها توفیق یافته یا نه، و با اینکه در نسخه‌های خطی هم جست‌وجو کرده، ولی نشانی از آنها نیافته است. البته همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، نسخه‌ای از دقایق المعانی حسینی موجود است که ظاهراً مصحح از آن بی‌خبر بوده است. با وجود این، ایشان باز هم با تکیه بر اقوال حسینی، او را پس از گیسودراز - که از معاصران حسینی و همنام با او یعنی حسینی است - در ردیف پرتألیف‌ترین عرفای چشتیه قرار می‌دهد (همان: بیست‌وهشت) که قابل تأمل است.

- در مقدمه آمده است: «همان‌گونه که سرمشق پیشین بحرالمعانی نامه‌ها و تمهیدات عین‌القضات همدانی سرشار از آیات قرآنی و احادیث شریف نبوی است، بحرالمعانی نیز آراسته به آیات و احادیث فراوان و در اکثر موارد همراه با تأویل آنها بر مذاق اهل عرفان است» (همان: سی‌وشش). لازم به ذکر است که بحرالمعانی به لحاظ استعمال آیات و احادیث، متنی یک‌دست نیست و استفاده از آیات و احادیث در نامه‌های حسینی به یک سان نبوده است. مکتوباتی که عیناً مطالب تمهیدات در آنها آمده، انباشته از آیه و حدیث است اما در باقی نامه‌ها که برگرفته از تمهیدات نیست و از منابعی است که پیشتر نام بردیم، به کارگیری آیه و حدیث به طور محسوسی کاهش یافته است. یک‌دست نبودن استعمال آیه و حدیث، گاه در ضمن یک نامه هم مشاهده می‌شود و در بخشی از نامه که مأخوذ از مثلاً تمهیدات است، با فراوانی آیه و حدیث مواجه می‌شویم اما در بخش دیگر نامه که از خود مؤلف یا منبع دیگری است، آیه و حدیث مشاهده نمی‌شود و یا لاقلاً بسیار کم است.

- در بخشی از مقدمه بحرالمعانی، مصحح محترم درباره نثر کتاب مطالبی آورده‌اند که قابل تأمل است زیرا با عنایت به این نکته مهم که بحرالمعانی مجموعه‌ای مشتمل بر نقل اقوال نویسندگان مأخذی است که حسینی بدانها مراجعه کرده، پس آنچه مصحح، با ارائه شواهدی از جملات کتاب، آن را ویژگی‌های نثر حسینی خوانده است، وجهی ندارد. از جمله ویژگی‌هایی که مصحح برای نثر حسینی ذکر می‌کند، آهنگین بودن آن است: «جملات محمد حسینی در پاره‌ای از مواضع آهنگین می‌شود و ارکان سجع‌های او مانند نمونه‌های زیر از دو سه رکن فراتر نمی‌رود» (همان: چهل و یک و چهل و دو). ما پنج شاهد مثالی را که مصحح برای اثبات سخن خود آورده، با مأخذ اصلی آنها سنجیدیم و به این نتیجه رسیدیم که شواهدی که ایشان ذکر می‌کنند، از جملاتی از بحرالمعانی انتخاب شده که هیچ یک متعلق به حسینی نیست، بلکه مأخوذ از منابع دیگری است که حسینی با مراجعه به آنها، کتاب خویش را نگاشته است. در اینجا، تنها به آوردن دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

\* بحرالمعانی: هر که اینجا از معرفت نایینا، فردا از رؤیت نایینا (همان: ۳۲)

تمهیدات: هر که در دنیا ناییناست از معرفت خدا، در آخرت ناییناست از رؤیت خدا (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۵۹)

\* بحرالمعانی: هر که را این سعادت روی نمود، ابواب مواهب غیبی بر وی گشود و از بیم و امید و ادبار و اقبال دنیا و آخرت آسود (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۲۵۹)

رساله درویشیه: [عبارت عیناً از رساله درویشیه میرسیدعلی همدانی است] (همدانی، ۱۳۷۰: ۴۹۸).

- این قبیل داورهای غیردقیق و نادرست از سوی مصحح درباره دیدگاه‌های عرفانی یا ویژگی‌های ادبی بحرالمعانی، در تعلیقات کتاب هم دیده می‌شود. از جمله اینکه ایشان درباره نامه دوم و تطبیق آن با صفحاتی از تمهیدات، نوشته‌اند: «توضیح و اضافات محمد حسینی در این بخش در مورد قبله و بخشی از داستان معراج نبوی است که با اشعار و ابیات زیبا و مناسب مقام همراه است» (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۶۷). لازم به ذکر است که قسمت مورد نظر مصحح محترم، اقتباسی از تمهیدات است و از ذوق ادبی و قریحه هنری حسینی تراوش نکرده است.

همچنین در قسمت دیگری از تعلیقات کتاب، در مبحث مربوط به تطبیق یکی از نامه‌های بحرالمعانی با تمهیدات، آورده‌اند: «دنباله مطلب با اندک تغییری همان است که در تمهیدات وجود دارد با این تفاوت که محمد حسینی «هاء» نفسه را به حضرت رسالت برگردانده است، ای من عرف نفس محمد که لقد جاءکم رسول» (همان: ۳۶۹). باید بگوییم که آنچه مصحح محترم در تفاوت دیدگاه حسینی با عین القضاة مطرح کرده‌اند نیز مأخوذ از دیدگاه عین القضاة است و نظر حسینی نیست. قول حسینی در این باره، چنین است:



«نکته دیگر این فقیر آن است که من عرف نفسه یعنی این های نفسه عائد بر حضرت رسالت است علیه السلام» (همان: ۲۸). عین القضاة در تمهیدات به این نکته اشاره کرده است (تمهیدات، ۱۳۹۲: ۵۷).

### ۳-۲-۴. دریافت نادرست حسینی از مطالب منابع مادر

مواردی در نامه‌های حسینی وجود دارد که حاکی از فهم نادرست و درک غیرصحیح وی و یا تحریف عامدانه‌اش از مطلب منبع مادر است. بارزترین نمونه‌ای که می‌توان ذکر کرد مکتوب یازدهم است که حسینی در آن، با التقاط عقاید ابن عربی و عین القضاة همدانی در موضوع خلقت روحانی انسان، بحثی آشفته و مشوش ارائه کرده است. وی پس از ذکر گفته‌های عین القضاة در معنی خلقت، موضوعی را مطرح کرده که درستی آن قابل بررسی و تأمل است:

و چون ای برادر، نور احمد از نور احد خلقت یافت، اما شیخ محی‌الدین صاحب فصوص در رساله خویش آورده است که نور احمد از عدم خلقت یافته است. والله اگر امروز زنده بودی با او گفته شدی آنچه گفتنی است که نور احمد را با عدم چه نسبت و نور مؤمنان را نیز با عدم چه تعلق؟ که حضرت رسالت علیه‌السلام فرموده: انا من نورالله و المؤمنون من نوری. پس نور حضرت عزت جل و علا، در کتم عدم بودن نشاید، زیرا که نور او محض وجودست، پس وجود قدیم را با عدم نسبت نشاید کردن. پس ای برادر نور احمد را و نور مراد تو را به عدم تعلق نیست ... (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۹۰).

خلقت از دیدگاه ابن عربی به معنی ظهور و تجلی و کمال پیدایی است و او نیز مانند عین القضاة و دیگر عرفا، آفرینش و پیدایی عالم را با استناد به حدیث قدسی «كنت كنزاً مخفياً...» توضیح می‌دهد. در نظام فکری ابن عربی، بر خلاف آنچه حسینی می‌گوید، حقیقت محمدیه یا نور احمد از عدم خلقت نیافته، بلکه حقیقتی است که به واسطه علم حق تعالی به نفس خود، انفعال یافته که آن را «هباء» می‌نامد (ابن عربی، ۱۳۸۳، ۲: ۷۶). در واقع، کسی که موضوع خلقت موجودات عالم را از عدم مطرح کرده، عین القضاة است که در تمهیدات می‌گوید: «همه موجودات عالم، خود معدوم بودند، پس به نور او و قدرت و ارادت او موجود شدند. پس چون وجود آسمان و زمین از قدرت و ارادت او باشد، 'الله نور السموات و الارض' جز وی نباشد» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۲۵۶). حسینی با توجه به این سخن، در بحرالمعانی آورده است: «پس ای برادر، زمره نادانان می‌گویند که موجودات و مخلوقات از معدومات موجود شده است و این معنی هرگز روا نباشد، زیرا که معدوم را شناخته‌ایم که معدوم چیزی را گویند که لاممکن الوجود [بود] و ممکن الوجود را معدوم نشاید گفت

... (مکّی حسینی، ۱۳۹۷: ۹۱). در توضیح عباراتِ حسینی در تقد رأیی که به ابن عربی نسبت داده است و نیز عبارت بالا، باید به چند نکته توجه داشت: یکی اینکه «عدم» در آراء و تفاسیر عرفا، بر خلاف نظر متکلمان و علمای ظاهر، در معنی «نیستی» و «لاشیء» استعمال نشده، بلکه عرفا برای تفسیر عرفانی نظریه خلقت، چنان که عین القضاة هم اشاره کرده است، لفظ عدم را از علم کلام وام گرفته و بدان معنای «کمون و ناپیدایی و پوشیده بودن» اطلاق کرده‌اند و بدین ترتیب، عدم در حوزه عرفان و تصوف اسلامی، به عنوان اصطلاحی برای تبیین خلقت موجودات عالم به کار گرفته شده است. این نکته‌ای است که ظاهراً حسینی بدان توجهی نکرده و گمان برده که مقصود از لفظ عدم همان معنایی است که متکلمان استعمال کرده‌اند. نکته حائز اهمیت‌تر اینکه، عین القضاة پس از تفسیر عرفانی معنی عدم، در نهایت می‌گوید: «دریغاً چون از این عدم، مصطفی را برون آوردند که 'اول ما خلق الله نوری' این نور را مبدا و منشای همه اختلاف‌ها و قسمت‌ها کردند» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۲۶۶). این عبارت شاهدهی است بر اینکه کسی که موضوع خلقت نور احمد را از عدم مطرح کرده، عین القضاة است نه ابن عربی و البته نه بدان مفهومی که حسینی استنباط کرده است.

### ۳-۲-۵. بررسی تطبیقی جملات بحرالمعانی با مأخذ مرجع و مباحث لغوی

در متن بحرالمعانی، دخل و تصرفاتی در قسمت‌های منقول از منابع عرفانی دیده می‌شود که به دشواری بتوان گفت از سوی مؤلف بوده یا کاتبان نسخ، ولی مقایسه آنها با نسخه‌هایی که نگارنده این سطور در اختیار داشت، یعنی نسخه پاریس و نسخه مجلس، نشان می‌دهد که اغلب این خطاها ناشی از بی‌دقتی و سهو کاتبان بوده است. در مواردی هم ممکن است حسینی به اقتضای استنباط و دریافت خود، تغییرات و حذف و اضافاتی اعمال کرده باشد و یا اینکه چندان پایبند و مقید به نقل دقیق و درست مطالب مادر نبوده و همین عامل موجب ابهام تلقی او از مطالب عرفانی گذشتگان شده است. در مجموع، می‌توان این تغییر یا تصحیف و یا تحریفات را در چند مورد دسته‌بندی کرد. در برخی موارد، به هنگام نقل مطالب منبع اصلی، کلمات یا عباراتی جا افتاده است که دریافتِ درستِ معنا را با مشکل مواجه می‌کند:

«رابطه قلب را باید تا الفت افتد...» (مکّی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۸)

«رابطه قلب را با قالب باید تا الفت افتد...» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۱۴۲)

به عکس این مورد، در جاهایی کلمات یا عباراتی به اصل مطلب مأخوذ از متن مادر اضافه شده است: «یعنی قالب در نور قلب گداخته شدی...» (مکّی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۸)، که عبارت عیناً از تمهیدات نقل شده، اما واژه نور برافزوده حسینی است. گاه، افزودن کلماتی به عبارت منبع مادر، نه تنها در بردارنده نکته‌ای

نیست، بلکه زائد هم هست. برای نمونه این عبارت، «یعنی ای محبوب حقیقت عیشی و عیش حقیقی ترا حاصل شود...» (همان: ۴۹)، از تمهیدات (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۱۶۶) نقل شده و قسمت مشخص شده، برافزوده حسینی است که مبین معنای روشنی نیست! در برخی موارد، کلمات منبع اصلی تغییر یافته است:

«مثالش آن است که قلب جبروتی ست» (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۸)

«مثالش آن است که قلب ملکوتی است» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۱۴۲ و ۱۴۳)

آنچه در این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، مقایسه تطبیقی جملات بحرالمعانی با مأخذی است که مؤلف کتاب، مطلب را از آنجا نقل کرده و به دلیل بدخوانی و یا دریافت نادرستِ مطلب، تصحیفات و تحریفاتی به جمله و عبارت منقول از منبع مادر افزوده شده و در بحرالمعانی راه یافته است. همچنین، برخی موارد را هم با دو دست‌نویس موزه پاریس (میکروفیلم) و مجلس که در بخش نسخه‌شناسی این نوشتار معرفی شد، تطبیق داده‌ایم و جای شگفتی اینکه، چنان‌که گفتیم، مصحح با اینکه به دست‌نویس پاریس در مقدمه اشاره کرده اما در تصحیح کتاب، از آن بهره‌ای نبرده است. مأخذی که حسینی مطالب آنها را عیناً و بدون اشاره به نام و نشان آنها آورده است، گذشته از تمهیدات عین القضاة که مصحح محترم در مقدمه و تعلیقات بحرالمعانی اشاره کرده‌اند، چند متن عرفانی دیگر هم هست که نگارنده در جای دیگری به تفصیل آنها را شناسایی و معرفی کرده است.<sup>۲</sup> این منابع عبارت‌اند از: اصول العشره از نجم‌الدین کبری و ترجمه آن به نام ده قاعده از سیدعلی همدانی، مشکاة الانوار از امام محمدغزالی، رساله‌های درویشیه و منامیه، هر دو از سیدعلی همدانی و کتاب مرآة الاسرار از مؤلفی ناشناس که تهنوی بخش‌هایی از آن را در ضمن برخی مدخل‌های کشف اصطلاحات الفنون و العلوم آورده است. شناسایی این مأخذ و مقایسه تطبیقی متن مصحح بحرالمعانی با آنها، به ما کمک کرد تا حدود ۲۰۵ مورد از جملاتی را استخراج کنیم که به دلیل بدخوانی مؤلف کتاب یا کاتبان نسخ، اشتباهات و ابهامات فاحشی در آنها وجود داشت. از این میان، ناچار به آوردن چند مورد که اندکی از بسیار است، اکتفا می‌کنیم:

- بحرالمعانی، ص ۸۳، س ۱۹ و ۲۰: «فَرَأَيْتُ فَرَاشًا مِنَ الذَّهَبِ حَالِ بَيْنَهُ وَ بَيْنِي. اَيْنَكَ اِي بَرَادِرِ حَائِلِ رُوَيْتَ كِه بُوْد اِنْسَانِيْتِ بُوْد» ← «... اَيْنِ پروانه که حائل رُوَيْتِ اَمْدِ اِنْسَانِيْتِ بُوْد» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۲۷۷).

واژه فَرَاشًا در عبارت عربی نیز لفظ «پروانه» را در جمله تأیید می‌کند. در هر دو دست‌نویس پاریس (مکی حسینی، بی‌تا: عکس ۱۴۶۵ ف ش ۷۶) و مجلس (مکی حسینی، ۱۹۴۱: برگ ۱۵۵)، عبارت به صورتی که در متن مصحح بحرالمعانی می‌بینیم، آمده است.

- بحر المعانی، ص ۱۳۷، س ۱۸ و ۱۷: «و خوردن ایشان سلم درختان است و ملخ بیابان و با معرفت کمال مقیداند» ← «سلم» و «کمال معرفت» (تهانوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۹).  
 سلم در لغت به معنی صمغ درخت است (دهخدا: «سلم»)، لکن در مرآة الاسرار که مأخذ دو مکتوب بحر المعانی است و ما از طریق کشف تهانوی به این کتاب ناشناخته پی بردیم، سلم ضبط شده است: «برگ سلم و بقیة درختان» (تهانوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۹). سلم، نام درختی است (دهخدا: «سلم»). در دست‌نویس پاریس، سلم (مکی حسینی، بی‌تا: عکس ۱۴۶۶، ش ۰۰۰۲۶) و در نسخه مجلس، سلم (مکی حسینی، ۱۹۴۱: برگ ۵۷۲) ضبط شده است.

- بحر المعانی، ص ۱۳۸، س ۲۴: «ای محبوب نقبا سیصد است و نجباء هفتاد و بدلاء چهارصد و چهار است. سیصد و چهار را مذاکره کرده‌ایم و چهل دیگرند» ← «سیصد و شصت و چهار»، زیرا:  $۳۶۴ + ۴۰ = ۴۰۴$  و «ذکر» (تهانوی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۹).  
 ضبط دست‌نویس مجلس سیصد و شصت و چهار (مکی حسینی، ۱۹۴۱: برگ ۵۷۵) و نسخه پاریس، سیصد ست [تصحیف شصت] چهار (مکی حسینی، بی‌تا: عکس ۱۴۶۶، ش ۰۰۰۲۷) است.

- بحر المعانی، ص ۲۴۹، س ۸۷: «ذکر مرکب است از نفی و اثبات و نفی لاله است که مواد فاسده نفس اماره است و مرتبی صفات وی از شهوات حیوانی ...» ← «فبأنه معجون مرکب من النفی و الاثبات، فبالنفی یزیل المواد الفاسدة التي تولد منها مرض القلب و قیود الروح و تقویة النفس و تریبة صفاتها - و هی الأخلاق الذميمة النفسانية و الأوصاف الشهوانية و تعلقات الکونین» (نجم‌الدین کبری، ۱۴۲۶ ق: ۹۳).

مقایسه متن بحر المعانی با اصول العشره که مأخذ اصلی این مطلب است، تفاوت‌ها و اغلاط آن را نمایان می‌سازد. ما متن بحر المعانی را با چهار نسخه خطی رساله ده‌قاعده میرسید علی‌همدانی (نسخه شماره ۱۰۱۹۷/۱۴، برگ ۱۹۱ و نسخه شماره ۱۹۲، برگ ۱۳ و نسخه شماره ۸۹۴۴/۱۴ و نسخه شماره ۱۰۲۱۶/۲ (نک: منابع)) نیز مقایسه کردیم و نتیجه آن شد که عبارت این نسخ نیز به مانند عبارت حسینی، نادرست و فاقد معنای صریح است، به‌ویژه دو نسخه آخر و عبارت بحر المعانی که نادرست‌تر از بقیه است و دلیل آن، ترجمه نادرست اصول العشره است. بی‌تردید مأخذ حسینی، ده‌قاعده همدانی بوده است نه اصول العشره و همسانی آن با نسخ ده‌قاعده این مطلب را تأیید می‌کند و نکته حائز اهمیت دیگر اینکه حسینی عبارت را از ده قاعده نیز درست و کامل نقل نکرده و مانند جاهای دیگری در کتاب، افتادگی‌های متن موجب ابهام معنا شده است. اگر متن حسینی را بر اساس اصول العشره تصحیح کنیم، چنین می‌شود: «ذکر مرکب است از

نفی و اثبات و نفی لاله است که [زایل کننده] مواد فاسده نفس اماره است [که] مربی صفات وی از شهوات حیوانی [است].»

- بحرالمعانی، ص ۲۵۷، س ۱۶ و ۱۷: «پس ای محبوب صفا احوال مسلمانی از حیثت و اوصاف انسانی دور است و دعوی اسلام به افعال کرپه و اعمال ردیه مغرور است. و ای محبوب تا آیت دل از دناس اوصاف بشری پاک نگردد...» ← «پس ای محبوب صفا احوال مسلمانی از حیثت اوصاف نفسانی دور است و دعوی اسلام به افعال کرپه و اعمال ردیه مغرور است. و ای محبوب تا آینه دل از دناس اوصاف بشری پاک نگردد...» (همدانی، ۱۰۷۰ ق، گ، ۱۵۸ و همدانی، ۱۳۷۰: ۴۹۶).

لازم به ذکر است که در نسخه شماره ۱۰۱۹۷، «حیثت» ضبط شده و در رساله درویشیه (شش رساله) به تصحیح دکتر محمد ریاض، به جای «ضبط نفسانی»، «انسانی» است که درست نیست.

- بحرالمعانی، ص ۲۶۴، س ۵: «و به کثرت امتناع و غنا بر در ریا و در نفاق افتاده اند» «امتناع» احتمالاً تصحیفی از «اتباع» باشد. حسینی مکتوب بیست و هشتم را که این عبارت در آنجا آمده، از مشکاة الانوار غزالی گرفته (غزالی، ۱۴۱۶: ۲۸۹ و ۲۹۰) و در یکی از ترجمه‌های فارسی این کتاب، متعلق به قرن ۱۱ هجری (دو قرن پس از حسینی)، به جای امتناع، «اتباع» و «اشیاع» ضبط شده است (عزلی خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۷). ضبط کلمات مشخص شده در عبارت بحرالمعانی، در دست‌نویس پاریس به ترتیب «اتباع» و «عشایر» است (فیلم ۱۴۶۷، عکس ۴۹) که به گمان، صورت صحیح، ضبط همین نسخه است.

- بحرالمعانی، ص ۲۶۸، س ۹ و ۸: «نسبت او به انوار حضرت صمدیت جلت قدرته چون نسبت به قمر است در انوار محسوسات» ← «نسبته إلى الأنوار الإلهية المحضة نسبة القمر إلى الأنوار المحسوسة» (غزالی، ۱۴۱۶ ق: ۲۹۱).

در این عبارت، حسینی با آوردن حرف «به» در جمله، ابهام به وجود آورده است.

- بحرالمعانی، ص ۳۰۲، س ۴ تا ۳: «وجهی خاص به مقیدات عالم خیال و هر مخیل از نوع انسان و غیره و خلائق در خیالات مقیده و اکتساب علوم ملکوتی و افتیاض اسرار جبروتی به واسطه سز و خیال مقید در عالم مثال. عدم و درجات ضعف و قوت آن بر اقسام اند...» ← «وجهی خاص به مقیدات عالم خیال و هر متخیل از نوع انسان و غیره و خلائق در خیالات مقیده و اکتساب علوم ملکوتی و اقتناص اسرار جبروتی به واسطه سیر خیال مقید در عالم مثال و عدم سیر و درجات ضعف و قوت آن بر اقسام اند...» (همدانی، ۱۰۶۴ ق، گ، ۶۵۸).

لغت «افتیاض» را که در بحرالمعانی آمده، در فرهنگ لغات نیافتیم. در دست‌نویس رساله منامیه به شماره ۱۰۱۹۷، گ. ۲۰۳، «افتیاض» ضبط شده است که آن را نیز در فرهنگ لغات نیافتیم. ضبط نسخه منامیه ش. ۱۷، گ. ۱۸۶، «اقتباس» است. در نسخه شماره ۱۱۵۹/۸، گ. ۶۵۸، «اقتناص» ضبط شده که به معنی «شکار کردن» است. علاوه بر نسخه‌های رساله منامیه که عبارت بحرالمعانی از آنجا نقل شده، در دست‌نویس کتابخانه مجلس، «اقتباس» ضبط شده است که به گمان همین ضبط صحیح باشد (مجلس، برگ ۶۲۳).

- بحرالمعانی، ص ۴۴، س ۵: «در ایام نغم سالها عمر در کشف و تحقیق صرف کرده بود...».

«نغم» واژه مبهمی است و ضبط درست، «تعمم» است. «تعمم به معنی عمامه بستن و ایام تعمم یعنی روزگار دستاربندی حسینی که در کسوت اهل مدرسه و علوم ظاهری بوده است»<sup>۳</sup>. ضبط دست‌نویس پاریس نیز «تعمم» است (میکروفیلم ۱۴۶۵، عکس ۴۰). در نسخه مجلس «نعم» (برگ ۷۶) ضبط شده که صحیح نیست. - بحرالمعانی، ص ۲۲۵، س ۹۰۸: «این خدمت در عصر محمد تغلق می‌کردم که در آن عصر حضرت خدمت والد علی‌الرحمه والغفران، مقطع کهنه‌بایت با یکهزار و هفتصد سوار بودند و این فقیر را چون اثر دولت بود، در خدمت فرد حقیقت گذاشته بودند».

ضبط دست‌نویس پاریس، «کنیه‌بایت» (میکروفیلم ۱۴۶۷، عکس ۱۲) و نسخه مجلس «کهنه‌باین (!)» (برگ ۴۵۰) است. در رساله‌ای با عنوان صفات الجواهر نوشته نجم‌الدین اسکندرآملی نیز، ضبط «کنیه‌بایت» دیده می‌شود: «دیگر عقیق، معدن آن در اندیب و جزیره «کنیه‌بایت» هند و صنعای یمن است...» (گودرز، ۱۳۸۸: ۳۰۵). با توجه به اشارات بالا، «کنیه‌بایت»، نام جایی در هند بوده و ضبط درست هم احتمالاً همین است.

- برخی جملات در بحرالمعانی معنای مبهمی دارند و این به دلیل افتادگی احتمالی کلمه یا کلماتی از جمله است: «معلوم برادر باد چشم و ابروی شاهد گذاشت» (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۶۷) / «حضرت ذوالجلال با موسی که کلام شد» (همان: ۵۶) / «و ندانستند که جگر سوخته از آتش دل کاری آرزویش دارد» (همان: ۱۷۵) / «که از مال برآمدن حاجات و اغراض است» (همان: ۲۶۳).

- در برخی موارد، حسینی گوینده یک قول و سخن را سهواً (۴ مورد) و یا عمداً (۸ مورد) تغییر داده و جمله را به خود یا استادش شیخ نصیرالدین محمود نسبت داده است. مثلاً حسینی واقعه دیدار خود را با خضر (ع) در دریای فرات بازگو می‌کند (همان: ۹۰) حال آنکه این واقعه در حقیقت، برای عبدالله تستری و شیبان راعی روی داده و قبلاً عین‌القضات آن را در تمهیدات (عین‌القضات، ۱۳۹۲: ۲۶۷) بیان کرده است. در موردی دیگر مکی حسینی (۱۳۹۷: ۸۲) سخنی از ابوبکر وراق (عین‌القضات، ۱۳۹۲: ۲۷۵) را به شیخ ذوالنون مصری نسبت داده است.

### ۳-۲-۶. بررسی خطاهای راه یافته در اعراب‌گذاری آیات، احادیث و عبارات عربی

از جمله مشکلات قابل توجه دیگری که در تصحیح بحرالمعانی دیده می‌شود، خطاهای بسیار چشمگیری در مورد آیات، احادیث و منقولات عربی است. بخشی از این خطاها، از سوی مؤلف یا کاتبان کتاب است به این ترتیب که در موارد متعددی، در اصل آیات و احادیث و منقولات دست برده‌اند. برخی از این خطاها نیز ناشی از بی‌دقتی و بدخوانی آنهاست و احتمالاً در مواردی با اتکا به محفوظات خود، به آیات قرآن و احادیث استشهاد می‌کرده و لذا برخی واژگان را با صورت نادرست ضبط کرده‌اند. اما بخش دیگری از این ایرادات، به امر تصحیح مربوط می‌شود و به نظر می‌رسد که خطاهای اعراب‌گذاری از آن جمله باشد، به این ترتیب که حرکت‌گذاری کلمات در اغلب موارد کامل انجام نشده و یا به‌ویژه در مورد حرکت آخر کلمات، اعراب کلمه مشخص نشده و یا نادرست است. با توجه به تعدد قابل ملاحظه نمونه‌هایی که از این نوع ایرادات در متن کتاب استخراج کردیم، تنها به آوردن تعدادی از این خطاها، با تفکیک موارد، بسنده می‌کنیم:

#### الف) آیات قرآن کریم

از میان ۷۰ موردی که خطا در آن وجود داشت، ۳۸ مورد مربوط به اعراب‌گذاری آیات است، ۲۴ مورد به املائی نادرست کلمات مربوط می‌شود، ۵ مورد هم مربوط به زوائد و یا افتادگی یک کلمه در آیات مورد استشهاد در این کتاب است و بالاخره ۳ مورد هم خطاهایی است که حاصل دخل و تصرف حسینی است. ذکر چند نمونه:

- بحرالمعانی، ص ۸۹، س ۱۳: «خَلَقَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

در باره این عبارت که مکی حسینی، به‌عنوان آیه قرآن بدان استشهاد کرده است، نکته قابل توجهی وجود دارد و آن اینکه چنین عبارتی در قرآن کریم نیست. حسینی این آیه و مطلب مربوط به آن را از تمهیدات عین القضاة (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۲۶۵) گرفته و جالب است که مصحح تمهیدات نیز آن را آیه قرآن (البقره: ۲۹) دانسته است. حال آنکه در اصل آیه چنین است: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا).

- بحرالمعانی، ص ۱۵۷، س ۲۳: (وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ جَزَاءَهُمْ [صَبْرًا جَمِيلًا]) ← (وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (الحجرات (۴۹): ۵).

عبارتی را که داخل قلاب قرار داده‌ایم، برافزوده حسینی یا کاتبان است و جزو آیه نیست.

- بحرالمعانی، ص ۱۹۲، س ۱۲: «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ».

این عبارت را حسینی به عنوان استشهداد به آیه، ذکر کرده است. اما آیه در قرآن به این صورت است: (...وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا) (النساء (۴): ۱۲۶) و (...وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (الحشر (۵۹): ۶) و (الانفال (۸): ۴۱) و آیات بسیار دیگری که به این عبارت ختم می‌شود.

- بحرالمعانی، ص ۱۸۱، س ۱۱ و ص ۱۸۲، س ۹: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اللَّهُ هَوَاهُ ...» ← أَرَأَيْتَ / إِلَهَهُ (الفرقان (۲۵): ۴۳)

- بحرالمعانی، ص ۲۴۱، س ۲۳: (... وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ يَا هَازُونَ أَخْلَفْنِي فِي قَوْمِي ...) «یا» زائد است (الأعراف (۷): ۱۴۲).

### ب) احادیث

از ۵۵ مورد خطای رخ داده در باب احادیث، ۳۰ مورد مربوط به اعراب‌گذاری کلمات، ۱۵ مورد تحریف املائی کلمات، ۶ مورد افزودن یا کاستن کلمه به/ از اصل حدیث و ۴ مورد هم تغییر اصل حدیث از سوی حسینی است. در ادامه از هر کدام از موارد نمونه‌ای ذکر می‌شود:

- بحرالمعانی، ص ۱۴، س ۱۴: «لَا يَقْبَلُ الصَّلَاةَ إِلَّا بِالْوُضوءِ الْكَامِلِ» ← «لَا يَقْبَلُ الصَّلَاةَ إِلَّا بِالْوُضوءِ الْكَامِلِ».

بر اساس استقصای نگارنده، حدیث، به این صورت، در مأخذ معتبر وارد نشده و صورت رایج آن در منابع چنین است: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ بَغِيرِ طَهْوَرٍ» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۷۹ و زغلول، ۱۹۹۶، ج ۷: ۴۳۵).

- بحرالمعانی، ص ۸۷، س ۱۷: «تَا مَوْتِ ابُوْبَكْرٍ تَرَا حَاصِلَ نَشُوْدِ كِهْ دَرِ حَيَاتِ بُوْدِ كَفْتِ كِهْ مَنِ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مِيَّةٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ» ← «تَا مَوْتِ ابُوْبَكْرٍ تَرَا حَاصِلَ نَشُوْدِ كِهْ دَرِ حَيَاتِ بُوْدِ، حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ (ص) كَفْتِ كِهْ مَنِ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مِيَّةٍ يَمْشِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

حذف‌های نادرست در عبارت منقول از تمهیدات از سوی حسینی، گاه موجب ابهام و به اشتباه انداختن مخاطب می‌شود. در عبارتی که نقل کردیم، جا انداختن نام پیامبر اکرم (ص)، موجب شده تا گمان شود گوینده عبارت عربی، ابوبکر است.

- بحرالمعانی، ص ۱۲۳، س ۲۰: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحْيِيَ حَيَوْتِي وَيَمُوتَ مَوْتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَبْلُغْ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ... فَقَالَ مِنْ بَهْدِهِ فَأَنْتُمْ لَنْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ الْهُدَى إِلَى بَابِ الضَّلَالَةِ...» ← يُحْيِي / يَدْخُلُ / وَعَدَنِي / فَلْيَبْلُغْ / يَخْرِجُوكُمْ [يَخْرِجُوكُمْ] / هُدَى.



حدیثی منقول از پیامبر اکرم (ص) است که به صورتی که حسینی آورده، آن را جایی نیافتیم و این امر، به دلیل تصرف و تغییراتی است که از سوی وی در احادیث اعمال شده است. لکن نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین حدیث به ضبط حسینی را در بحارالانوار یافتیم: «قال رسول الله (ص): من أحب أن يحيا حياتي ويموت موتي ويدخل الجنة التي وعدني ربي فليتول عليا بعدي، فإنه لن يخرجكم من هدي ولا يدخلكم في ردي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۸: ۱۲۰).

### ج) تداخل آیه و حدیث

از خطاهای قابل ذکر دیگری که در بحرالمعانی در بخش آیات و احادیث روی داده، تداخل آیه و حدیث و یا حدیث و عبارت عربی است که تفکیک نشدن آنها از جانب مصحح و یا مؤلف و کاتب، موجب بروز اشتباه در تشخیص نوع عبارت عربی می‌شود. نگارنده هشت مورد از این خطاها را شناسایی کرده که جهت اختصار، یک مورد ذکر می‌شود:

- بحرالمعانی، ص ۴۸، س ۶: «القبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ».

بخش اول این عبارت، حدیث نبوی و بخش دوم آن، آیه قرآن است که مصحح با ویرگول آنها را از هم تفکیک نموده و این کافی نیست. آیه برای تمایز از حدیث، لازم بود میان دو هلال بیاید، ضمن اینکه حسینی، هم حدیث را ناقص نقل کرده و هم آیه را. و منبع او، تمهیدات عین القضاة بوده است. صورت کامل حدیث: «القبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّبْرِانِ» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۱۶۱) و صورت کامل آیه: (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ) (آل عمران (۳): ۱۶۹).

### د) منقولات عربی

از میان ۶۳ مورد خطایی که به منقولات و عبارات عربی راه پیدا کرده، ۲۸ مورد خطای حرکت‌گذاری کلمات، ۲۶ مورد تحریف املائی کلمه، ۶ مورد تغییر گوینده عبارت و قول عربی، ۲ مورد تغییر اصل عبارت عربی بر اساس قیاس با صورت اصلی آن در منابع پیشین است و یک مورد هم به افتادگی کلمه از عبارت عربی مربوط می‌شود:

- بحرالمعانی، ص ۷۸، س ۱۷-۱۸: «... فَقَالَ أَدْخَلَنِي إِلَى جَنَّةِ الْقُدْسِ الْفَرْدَوْسِ يُخَاطِبُنِي بِذَاتِهِ وَيُكَاشِفُنِي بِصَفَاتِهِ» ← «... فَقَالَ أَدْخَلَنِي رَبِّي جَنَّةَ الْقُدْسِ الْفَرْدَوْسِ يُخَاطِبُنِي بِذَاتِهِ وَيُكَاشِفُنِي بِصَفَاتِهِ» (عین القضاة، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

این عبارت، سخنی منقول از یکی از بزرگان عرفاست که عین‌القضات در تمهیدات، به نام او اشاره‌ای نکرده است. ولی حسینی ضمن ذکر این عبارت تمهیدات در بحرالمعانی، آن را به پیر خود، شیخ نصیرالدین محمود نسبت داده است. همچنین در عبارت بالا «إلی» تصحیف «رئی» است و چون اشتباه خوانده شده، به تبع آن، کلمه جَنَّة هم مجرور شده است.

- بحرالمعانی، ص ۸۶، س ۱: «أَمَّا يُعْرَفُ الْفَضْلَ أَهْلَ الْفَضْلِ» ← لِأَهْلِ الْفَضْلِ (عین‌القضات، ۱۳۹۲: ۲۸۲)

### ۳-۲-۷. بحثی انتقادی درباره اشعار مستعمل در بحرالمعانی

مکی حسینی در لابه‌لای نامه‌های خود شواهد شعری بسیاری، از شاعران شهیر فارسی‌زبان آورده است از قبیل: عطار، مولانا (بیشترین ابیات کتاب از منطق‌الطیر و غزلیات مولانا است) و اسکندرنامه نظامی (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۱۷). اشعاری هم از تمهیدات و لوائح عین‌القضات آورده و نیز تأثر از حدیقه‌الحقیقه سنایی در این جمله مشهود است: «کفر و ایمان هر دو پویان و جویان عاشق باشند» (همان: ۹) که یادآور این بیت است:

کفر و دین هر دو در رهت پویان      وحده لاشریک له گویان

(سنایی، ۱۳۸۷: ۶۰)

برخی ابیات هم ظاهراً از خود حسینی است که اغلب با مشکل وزن مواجهند مانند این بیت:

اول و آخر تو عاشق تا به او خواهی بود؟      چون زن فاحشه هر لحظه دگر شوی مکن

(مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۹۰)

همان‌طور که حسینی یا کاتبان نسخ بحرالمعانی در برخی آیات و احادیث و مطالبی که عیناً از مأخذ گوناگون نقل کرده، دست برده و در آنها دخل و تصرف نموده‌اند، در مورد ابیات هم تغییرات و تحریفات قابل ملاحظه‌ای انجام شده و حتی گاه حسینی با تغییر تخلص شاعر به نام خود، آن اشعار را به خود منتسب کرده است.

مصحح محترم، متوجه اختلاف ضبط‌های ابیات حسینی با اصل آنها بوده و برای همین، در پیوست آخر کتاب، زیر عنوان «تعلیقات و یادآوری‌های اشعار متن و چگونگی اختلافات بحرالمعانی» به این موضوع اشاره کرده و ضمن تصریح به این مطلب که اختلاف اشعار حسینی را (که اغلب عامدانه بوده و حاصل دستبرد وی) در این قسمت ضبط نموده، افزوده است که برای اجتناب از به هم ریختگی آرایش صفحات، «در تمام موارد این‌گونه اشعار بر اساس دیوان‌های چاپ‌شده تصحیح شد و ذکر اختلافات و چندی و چونی تغییرات به این بخش [تعلیقات] وانهاده شد» (همان: ۳۷۶). وی به این مطلب در متن کتاب هم تأکید کرده است، مثلاً در

مورد ابیات منطلق الطیر عطار، در پانوشت صفحه گفته که ابیات را بر اساس این کتاب، تصحیح کرده است (همان: ۶۹) و یا در مورد غزلیات مولانا هم همین‌طور (همان: ۱۳۵ و ۱۳۶). در مجموع، سخن مصحح این است که وی صورت اصلی ابیات را آن‌گونه که در نسخ بحرالمعانی ضبط شده، به تعلیقات آورده و صورت تصحیح‌شده ابیات را بر اساس دیوان‌های مربوط، به متن برده است. علی‌رغم آنچه مصحح محترم اشاره کرده‌اند، باید گفت که عملاً چنین اتفاقی نیفتاده و ابیات متن کتاب، بدون مقابله و تصحیح با دیوان‌های معتبر، به صورت مغلوپ آورده شده است. گذشته از این، یکی از مشکلاتی که در تصحیح برخی از ابیات در تعلیقات کتاب و نه در متن آن، وجود دارد این است که مشخص نشده برای این کار از کدام چاپ دیوان استفاده شده است. نقد و بررسی اشعار به‌کاررفته در بحرالمعانی، در چند بخش مجزا و از میان موارد متعدد تنها با ذکر چند نمونه در پی می‌آید:

#### الف. تغییر کلمات، افتادگی‌ها و زوائد

- بحرالمعانی، ص ۶۶، س ۲۱: ... دل گم کردم میان زلف و خالش ← خدّ (عین‌القضات،

۱۳۹۲: ۱۱۷)

- بحرالمعانی، ص ۶۵، س ۲۵:

دین ما روی و جمال و طلعت شاهانه است کفر ما آن زلف تار و ابروی سیه ترکانه است

بیت از تمهیدات (عین‌القضات، ۱۳۹۲: ۱۱۶) نقل شده لکن «سیه» زائد است و با حذف آن، وزن بیت

درست می‌شود.

#### ب. تصحیح ابیات

- بحرالمعانی، ص ۸۹ و ۱۶۸: ... جهان را در فی غوغا نهادیم ← «بسی» (عطار، ۱۳۸۴: ۴۹۳)

- بحرالمعانی، ص ۱۴۴: شرح گویی رسم و آداب ملکوت ← «ملوک» (عطار، ۱۳۸۵: ۳۰۴)

- بحرالمعانی، ص ۱۶۸، س ۱۶: سر مویی ز قدرت وا نمودیم ← «زلف خود»

- بحرالمعانی، ص ۱۷۰: این گوهر اصل ما نماید در خور آن گوهر اصل را چه در خور ماییم ←

«نماند» و «چو» (عین‌القضات، ۱۳۹۲: ۲۱۶)

- بحرالمعانی، ص ۱۹۵: سسرو سهی و ماه تمامت خوانم یا کبک دری خوش خرامت خوانم

زین هر سه بگوی تا کدامت خوانم کز رشک نخواهم که به نامت خوانم

این رباعی، که بیت اول آن مورد بحث است، هم در تمهیدات و هم در نامه‌های عین‌القضات هست. مصحح محترم، در پانوش صفحه مذکور قید کرده‌اند که رباعی بالا از نامه‌های عین‌القضات ذکر شده است (عین‌القضات، ۱۳۸۷، ۲: ۶۰) و ضبط بالا را در متن آورده‌اند اما با توجه به ضبط اصلی بیت در بحرالمعانی، که مصحح آن را به جای متن، در تعلیقات کتاب آورده است:

گه سرو سهی و مه تمامت خوانم آهوی فتاده در به دامت خوانم

(مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۹۵)

معلوم می‌شود که حسینی رباعی بالا را از تمهیدات آورده است، چون ضبط برخی کلمات آن در نسخه بحرالمعانی، با ضبط رباعی در تمهیدات متناسب است نه نامه‌های عین‌القضات. از طرفی هم، مطالب پس و پیش از این رباعی را نیز حسینی از تمهیدات آورده و بدیهی است که رباعی را هم از آنجا نقل بکند. بر این اساس با قیاس رباعی با ضبط تمهیدات آن را بدین صورت تصحیح کردیم:

ای سرو سهی ماه تمامت خوانم      یا آهوی افتاده به دامت خوانم  
زین هر سه بگوی تا کدامت خوانم      کز رشک نخواهم که به نامت خوانم

(عین‌القضات، ۱۳۹۲: ۱۷۵)

- بحرالمعانی، ص ۲۳۷: و آنها که روز خانه بدارند بر زمین      شبهها به نور عشق قدم بر سما زنند  
«ندارند». مصحح محترم، شاعر غزلی را که این بیت هم جزو آن است و حسینی آن غزل را به‌طور کامل آورده، مولانا می‌داند. نگارنده این غزل را در کلیات شمس نیافت، لکن در مقاله‌ای با عنوان «تجلی عشق در اشعار مولوی» (شجعی، ۱۳۵۴: ۲۷)، این غزل را دیدیم که بر طبق آن، بیت را تصحیح کردیم.

- بحرالمعانی، ص ۲۵۱: زانکه هر جایی نظر خواهی فکند      در گناه خویش سر خواهی فکند  
«گر» و «کنار» (همدانی، ۱۰۷۰ ق. و قرن ۱۳ و بی تا و ۱۲۷۶-۱۲۷۷ ق.).

### پ. مأخذ برخی ابیات

- بحرالمعانی، ص ۲۷۸: در مصحف عقل حرف طامات بین      بر سدره برآ و پس خرابات بین ....  
حسینی ادعا کرده که این رباعی مشهور، از سروده‌های اوست و مصحح هم اشاره‌ای به شاعر آن نکرده است. اما، رباعی مذکور از لوائح عین‌القضات (عین‌القضات، بی تا: ۶۴) نقل شده است.

- بحرالمعانی، ص ۲۹۹: وین بوالعجبی بین که از باده عشق      هشیار گه شوی که سرمست شوی  
«گهی». مأخذ این بیت در کتاب مشخص نشده و گذشته از اینکه بیت در متن ایراد دارد، در تعلیقات نیز

چنین است. این بیت با صورت مغلوط در صفحات ۵۳، ۱۶۰ و ۴۸۰ و ۴۸۱ بحرالمعانی نیز مکرر شده است. گفتنی است که این بیت از لوائح عین القضاة است (عین القضاة، بی تا: ۱۱۳).

- بحرالمعانی، ص ۳۰۲:

قدح چون دور من آید به هشیاران مجلس ده مرا بگذار تا حیران بمانم چشم در ساقی  
«بماند». بیتی از غزلیات سعدی است (سعدی، ۱۳۴۲: ۴۸۱) که مصحح به اشتباه آن را از مولانا دانسته است (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۴۷۴).

- بحرالمعانی، ص ۳۰۲:

مست من چون باده نوشی جرعه‌ای بر من بریز درد جام خود بر این رسوای تر دامن بریز  
«تردامن». بیت از امیرخسرو دهلوی است (امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۱: ۳۴۰) که مصحح آن را از عطار دانسته است (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۴۶۰).

- بحرالمعانی، ص ۳۳۱: گوهر وصلت از آن در پرده ماند در جهان شایسته آن کس ندید  
«کز». این بیت در صفحه ۸۸ کتاب هم آمده و مصحح در آنجا به درستی اشاره کرده که از عطار است. با وجود این، در تعلیقات کتاب (همان: ۴۵۷) بیت را به اشتباه از مولانا دانسته است.

- بحرالمعانی، ص ۳۳۴: دست از اقطاع او کوتاه کن تا نباشد هیچکس را با تو کار  
«دار». بیت از منطق الطیر عطار است (عطار، ۱۳۸۵: ۳۲۳) که مصحح به اشتباه آن را از مولانا دانسته است. - بحرالمعانی، ص ۳۳۵:

هارون ولایت که پس از موسی عمران  
والله که علی بود علی بود علی بود  
این نیست تناسخ سخن وحدت محض است تا هست علی باشد و تا بود علی بود

این دو بیت در صفحات ۱۲۵ و ۳۳۵ بحرالمعانی هم آمده و مصحح در تعلیقات، به صفحه ۳۳۵ اشاره‌ای نکرده است. حسینی در هر دو صفحه مذکور، این ابیات را که منسوب به مولانا است، از مولانا دانسته، ولی با وجود این، مصحح محترم در تعلیقات به اشتباه حسینی را گوینده ابیات بالا معرفی کرده است. این ابیات منسوب به مولانا در چاپ کلیات شمس فروزانفر نیامده است. مصحح مصراع سوم را در تعلیقات بحرالمعانی به این صورت آورده: «این کفر نباشد سخن کفر نه این است...» (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۴۵۳).

## ۳-۲-۸. نکات فنی، ویرایشی و چاپی

## الف. موارد فنی

- فقدان کتابنامه در آخر کتاب، از اشکالات اساسی کار است به عنوان نمونه، معلوم نیست مصحح به کدام چاپ دیوان‌های شعر در تصحیح و بررسی ابیات به کاررفته در بحرالمعانی، مراجعه کرده است.
- فقدان توضیح و شرح لغات، اصطلاحات عرفانی و اعلام نام اشخاص و کتاب‌ها و اماکن جغرافیایی، از دیگر نواقص کتاب به شمار می‌آید. همه اصطلاحات عرفانی، در فهرست مربوط به آن، در تعلیقات کتاب نیامده و یا برای همه آنها تعریفی نوشته نشده است، مانند اصطلاح «جمع الجمع» که در فهرست اصطلاحات نیست و یا دو اصطلاح «عمد» و «افراد». اصطلاح «مقام لاهوت» که در فهرست مذکور تعریف شده مبهم است، بدین معنی که به جای برخی کلمات، علامت سؤال چندین بار به صورت «؟؟؟؟؟؟» مکرر شده است (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۴۳۷). این موضوع درباره اعلام کتاب هم صدق می‌کند و مصحح محترم درباره اسم اشخاص و یا جاهایی که در بحرالمعانی آمده، توضیحی نداده است. مثلاً حسینی از شخصی به نام «عبدالله مطری» نام می‌برد (همان: ۱۵۸) که ممکن است مخاطب او را نشناسد. مصحح درباره این شخصیت هیچ اطلاعاتی به خواننده کتاب نمی‌دهد، زیرا چنان که خود می‌گوید منابع را گشته و عاقبت بر وی معلوم نشده که این شیخ کیست در حالی که ذکر وی در برخی منابع وجود دارد. شیخ مطری جزو سی و چهار تنی است که سیدعلی همدانی از آنان خرقة دریافت کرده است (بدخشی، ۱۳۷۴: ۵۴) گذشته از اصطلاحات عرفانی و اعلام اشخاص و جای‌ها، درباره پاره‌ای لغات دشوار هم توضیحی در فهرست لغات دیده نمی‌شود و مصحح، جز معنای چند لغت، درباره لغات دیگر توضیحی نداده است مانند حاله‌گاه (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۱۴۶) که به معنی «دروازه میدان چوگان است یا میدانی که در آن چوگان‌بازی می‌کنند» (دهخدا: «حال‌گاه») و یا جوازخانه و جوازگر (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۲۵۵) به معنی «هاون سنگین و چوبین که سیر در آن کوبند یا ظرفی که در آن روغن از حبوبات بگیرند» (دهخدا: «جواز»).
- مصحح محترم در تعلیقات کتاب (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۷۵)، نوشته‌اند که صفحات ۳۳۹ و ۳۴۰ از مکتوب سی و ششم بحرالمعانی، تقریباً مشابه صفحات ۳۵۳ و ۳۵۴ تمهیدات است. باید گفت که شماره تطبیقی صفحاتی که وی در تعلیقات کتاب داده است، درست نیست. مکتوب سی و ششم پاره‌هایی از مطالب تمهیدات را در بر می‌گیرد، به این ترتیب که حسینی به صورت پراکنده و نامنظم، پاره‌هایی از تمهیدات را در متن آن نامه آورده است لکن، شماره صفحات تطبیقی آن با تمهیدات از این قرار است:

تمهیدات	بحر المعانی
۲۱۶	۳۳۰ (سطر آخر) و ۳۳۱ (سطر اول)
۱۸۹	۳۳۱ (سطر هفتم)
۲۱۸	۳۳۳ تا ۳۳۵
۲۲۹	۳۳۶
۲۲۰	۳۳۶ و ۳۳۷
۲۳۸	۳۳۷

همچنین، صفحات ۲۰۸ تا ۲۱۰ بحر المعانی، مأخوذ از صفحات ۱۸۱ تا ۱۸۲ تمهیدات است که مصحح در فهرست تطبیقی صفحات بحر المعانی و تمهیدات، آن را ذکر نکرده است.

- صفحات ۳۴۴ تا ۳۵۸ تعلیقات کتاب، به ارائه جدولی از تمام ملاقات‌های حسینی با اولیاء بر اساس متن مکتوبات وی اختصاص یافته که در فهرست عام کسان و جای‌ها در صفحه ۴۹۰ به بعد، مجدداً همان اسامی با ذکر محل و مکان ملاقات که در جدول‌ها آمده بود تکرار شده است.

- صفحات ۴۰۳ تا ۴۰۹ تعلیقات کتاب، با عنوان فهرست آیات و احادیث، به این موضوع اختصاص یافته است، لکن این فهرست تنها شامل احادیث می‌شود نه آیات قرآن و مراجعه کننده به کتاب، در یافتن نشانی برخی آیات، ناچار است به متن کتاب مراجعه و تمام صفحات را جست‌وجو کند. در ضمن مصحح محترم نام سوره و شماره آیاتی را که در متن آمده نداده است.

### ب. سهوهای ویرایشی، نگارشی و چاپی

تعداد مواردی که ذیل این عنوان جای می‌گیرد نیز قابل ملاحظه است. به همین جهت ناچار شدیم مانند موارد پیشین، از میان ۱۰۳ موردی که استخراج کرده‌ایم به ذکر چند نمونه اکتفا کنیم:

#### ۱. نکات ویرایشی و نگارشی:

- بحر المعانی، ص ۴۱، س ۲: «هرگاه که در شرح روح قلم می‌رسد. دیوانگی می‌جنبد...» ← به جای نقطه، ویرگول (،) لازم است.

- بحر المعانی، ص ۱۷۳، س ۱۹: «تا ای محبوب از خود سفر نکنی به وداع اهل، سلامت به خدای عزوجل نرسی» ← «تا ای محبوب از خود سفر نکنی به وداع اهل سلامت، به خدای عزوجل نرسی».

## ۲. خطاهای چایی:

- بحرالمعانی، صفحهٔ چهل و دو، س ۵: «هر که اینجا خلعت نبوت که علماء امتی کاتبیاء بنی اسرائیل نوشید و جرعه‌ای از جام احمدی نوشید» ← «هر محب که اینجا... و جرعه جام احمدی نوشید» (مکی حسینی، ۱۳۹۷: ۲۵۸). ضمناً جملهٔ اول که در مقدمه بدان استشهاد شده با متن کتاب مغایرت دارد!

- بحرالمعانی، ص ۴۴، س ۷: «و از محبوب نامت‌هایی صد هزار فرهنگ دور بودم» ← «فرسنگ»

- بحرالمعانی، ص ۴۸، س ۶: «خواجۀ عالم علیه السلام نغمه‌ی» ← «بفرمودی» صحیح است.

- بحرالمعانی، ص ۱۹۳، س ۱۶: «چنانکه ای محبوب عالم سرگردانی و حیوانی است...» ← «حیرانی»

## ۴. نتیجه‌گیری

صوفیان طریقهٔ چشتیه و از جمله محمد مکی حسینی، در نگارش آثار خود، عمدتاً از منابع عرفانی پیشین به میزان قابل اعتنایی استفاده کرده‌اند. مؤلف بحرالمعانی نیز که از متون عرفانی پیشین در نگارش کتابش استفاده کرده، نه تنها به نام آن آثار و مؤلفان آنها اشاره‌ای نکرده، بلکه مطالب و احوال عرفانی صاحبان آن آثار را به خود نسبت داده است. گذشته از نقد کتاب او از این نظر، عدم دقت و دریافت صحیح وی در نقل مطالب منابع مورد استفاده نیز که موجد برخی جملات و عبارات مبهم و نامفهوم در متن بحرالمعانی شده، قابل نقد است. بنابراین، تصحیح چنین متنی، پیش از همه مستلزم شناسایی مآخذی است که مؤلف از آنها در اثر خود استفاده کرده تا با تطبیق و تقابل دو متن مبدأ و مقصد، اختلاف ضبط کلمات و سوء برداشت از مفاهیم آنها را که آگاهانه یا ناآگاهانه از جانب مؤلف و یا کاتبان به اثر وی راه یافته است، آشکار و معلوم کند. بی‌توجهی به این نکتهٔ اساسی، یعنی مآخذشناسی در تصحیح متن، موجب شده تا مصحح بحرالمعانی در استنباط‌های خود برای معرفی ویژگی‌های نثر کتاب و دیدگاه‌های عرفانی مؤلف و اندیشهٔ او، هم در مواضعی به خطا برود و هم اینکه، نکاتی از زوایای فکری صاحب کتاب، مغفول بماند. در این مقاله کوشیدیم تا پس از شناسایی مآخذ مورد استفادهٔ حسینی در بحرالمعانی، به مقایسهٔ تطبیقی آن با منابع مذکور بپردازیم و خطاهای قابل اعتنایی را که به این اثر راه یافته است، نشان دهیم. مواردی از قبیل بدفهمی‌های معنایی مؤلف از مفهوم مطالب مآخذ مورد استفاده؛ تغییرات و تحریفات و خطاهای راه‌یافته در آیات قرآن کریم، احادیث و منقولات عربی و تداخل آنها با هم در پاره‌ای موارد؛ ضبط نادرست کلمات به دلیل بدخوانی مؤلف و یا کاتب و حذف و اضافه‌های نادرست مطالب منابع مادر و ابهامات موجود در برخی جملات و عبارات بحرالمعانی از این طریق؛ ایرادات قابل توجه در اشعار و ابیات مورد استفاده در کتاب و مآخذ آنها؛ و مباحث لغوی و خطاهای ویرایشی و مطبعی.



## پی‌نوشت‌ها

۱. از مساعی خانم فریبا حزی کارشناس بخش نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران برای دسترسی به میکروفیلم نسخه متعلق به موزه پاریس کمال امتنان را دارم. لازم به یادآوری است که نام این نسخه در فهرستگان نسخ خطی بحر المعانی در سامانه حافظه ملی ایرانیان (<https://scripts.nlai.ir>) آمده که به اشتباه تاریخ کتابت آن ۸۴۴ ق. ثبت شده است. این تاریخ به تصریح استاد محمدتقی دانش‌پژوه متعلق به مجمل الحکمه است که میکروفیلم آن به همراه نسخه بحر المعانی در فیلم شماره ۷۵۲ دانشگاه تهران موجود است (نک: دانش‌پژوه: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران).
۲. این موضوع در مقاله‌ای از راقم سطور، با عنوان «تحقیقی در شناسایی منابع بحر المعانی» بررسی شده است.
۳. ضبط «تعمم» و توضیح آن در گیومه، پیشنهاد دکتر سجاد آیدنلو، استاد دانشگاه پیام نور ارومیه است.

## منابع

- قرآن کریم
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۸۳) ترجمه فتوحات مکیه، ترجمه محمد خواجوی، ج ۲، تهران: مولی.
- اصغری، کاظم و سمیه خادمی (۱۴۰۱) «تأثیرپذیری سید محمد مکی حسینی از اندیشه‌های عین‌القضات همدانی؛ با تکیه بر آراء معرفت‌شناسی در بحر المعانی و تمهیدات»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۱۸۵، ش ۶۷، ص ۱۱۳ تا ۱۴۲
- امیرخسرو، خسرو بن محمود (۱۳۶۱) دیوان کامل امیرخسرو دهلوی، تصحیح سعید نقیسی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- بدخشی، نورالدین جعفر (۱۳۷۴) خلاصه المناقب، مصحح سیده اشرف‌ظفر، ایلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۹۹۶) موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، مقدمه رفیق عجم، ترجمه عبدالله خالدی و جورج زیناتی، تحقیق علی فرید دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جبارپور، سمیه (۱۴۰۰) «تحقیقی در شناسایی منابع و مأخذ بحر المعانی»، عرفان‌پژوهی در ادبیات، دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱ (۱)، ص ۱۰۶ تا ۸۳
- چشتی، شیخ عبدالرحمن (۱۹۹۳) مرآة الاسرار، تحقیق و ترجمه مولانا الحاج، به کوشش شاه‌سراج علی، لاهور: نشر ضیاء القرآن [به زبان اردو].
- حسینی، سیده بلقیس فاطمه (۱۳۸۴) «نگاهی به بحر المعانی سید محمد حسینی (اوایل سده نهم هجری)»، قند پارسی، ش ۳۱، ص ۴۴ تا ۳۱.
- رضوی، اطهرعباس (۱۳۸۰) تاریخ تصوف در هند، ج ۱، ترجمه منصور معتمدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زغلول، محمدالسعيد بن بسونى (۱۹۹۶) موسوعه اطراف الحديث النبوی الشریف، ج ۱۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۲) نرم‌افزار لغت‌نامه دهخدا (نسخه جدید)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۴۲) غزلیات سعدی، نسخه تصحیح‌شده محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات اقبال.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۸۷) حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شجیعی، پوران (۱۳۵۴) «تجلی عشق در اشعار مولوی»، فصلنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ش ۲۸ تا ۲۸.

- عزلی خلخالی، ادهم (۱۳۸۱) رسائل فارسی ادهم خلخالی، ج ۱، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عطار، فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری (۱۳۸۴) دیوان عطار، تصحیح تقی تفضلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عطار، فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری (۱۳۸۵) منطق الطیر، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عین‌القضات، عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی (۱۳۹۲) تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، تهران: انتشارات منوچهری.
- عین‌القضات، عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی (۱۳۸۷) نامه‌های عین‌القضات همدانی، ج ۳، به اهتمام علینقی منزوی، عقیف عسیران، تهران: اساطیر.
- عین‌القضات، عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی (بی‌تا) لوائح، تصحیح رحیم فرمنش، تهران: کتابخانه منوچهری.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۶) «مشکاة الانوار»، مجموعه رسائل الامام غزالی، بیروت: دارالفکر.
- کویا، فاطمه (۱۳۸۹) «بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی دقایق المعانی»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، س ۲، ش ۳، ص ۱۰۰ تا ۱۰۷.
- گودرزی، بهروز (۱۳۸۸) «صفات الجواهر (نوشته نجم‌الدین اسکندراملی)»، آینه میراث، س ۷، ش ۱ (۴۴)، ص ۳۲۵ تا ۳۲۹.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳) بحار الانوار، ج ۳۸، تصحیح السید ابراهیم المیانجی و همکاران، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محدث دهلوی، عبدالحق (۱۳۸۳) اخبار الاخیر فی اسرار الایر، تصحیح و توضیح علیم اشرف‌خان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مکی حسینی، محمد بن جعفر (۱۳۹۷) بحر المعانی (مجموعه نامه‌های عرفانی)، مقدمه، تصحیح و توضیح: محمدرسور مولایی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مکی حسینی، محمد بن جعفر (۱۳۹۱) بحر المعانی، نسخه خطی، هند: مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور. <[www.indianislamicmanuscript.com](http://www.indianislamicmanuscript.com)> / کتابخانه درگاه عالیہ چشتیه، احمدآباد گجرات، ش ۳۷.
- مکی حسینی، محمد بن جعفر (بی‌تا) بحر المعانی، میکروفیلم، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ش ۱۶۶۷، ۱۶۶۶، ۱۶۶۵.
- مکی حسینی، محمد بن جعفر (۱۹۴۱) بحر المعانی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای ملی، ش ۷۸۶۶۲.
- مکی حسینی، محمد بن جعفر (۱۳۰۳) دقایق المعانی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای ملی، ش ۷۸۹۶۰.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۵) کلیات شمس، ج ۳، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۴) دیوان کبیر شمس، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: طلایه.
- نجم‌الدین کبری، احمد بن عمر (۱۴۲۶) «الاصول العشره»، فوائج الجمال و فوائج الجلال، مصحح یوسف زیدان، مصر: دارالسعد الصباح، ص ۹۵ تا ۹۰.
- ندیمی هروی، محمود (۱۳۸۷) «بحر المعانی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، به سرپرستی علی‌محمد مؤذنی، تهران: فرهنگستان زبان و ادبی فارسی، ج ۲، ص ۸۰۰ و ۸۰۱.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳) تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، تهران: انتشارات فروغی.
- همدانی، میرسیدعلی (۱۳۷۰) رساله درویشیه، در احوال و آثار میرسیدعلی همدانی (شش رساله)، مصحح دکتر محمد ریاض، پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۵۰۰ تا ۴۸۵.

- همدانی، میرسیدعلی (۱۰۷۰) «رساله درویشیه»، مجموعه رسائل در فتوت و رسائل عرفانی، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۱۹۷/۱۴، برگ ۱۵۱ تا ۱۶۵.
- همدانی، میرسیدعلی (۱۰۷۰) «رساله ده قاعده»، مجموعه رسائل در فتوت و رسائل عرفانی، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۱۹۷/۱۴، برگ ۱۸۷ تا ۱۹۴.
- همدانی، میرسیدعلی (قرن ۱۳) «رساله ده قاعده»، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۹۲ ط.
- همدانی، میرسیدعلی (بی تا) «رساله ده قاعده (ده اصل)»، مجموعه رسائل، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۸۹۴۴/۱۴، برگ ۳۵۹ تا ۳۶۴.
- همدانی، میرسیدعلی (۱۲۷۷-۱۲۷۶) «رساله ده قاعده»، جنگ رسائل مختلفه (شش رساله)، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۲۱۶/۲، برگ ۱۲۳ تا ۱۳۲.
- همدانی، میرسیدعلی (۱۰۷۰) «رساله منامیه»، مجموعه رسائل در فتوت و رسائل عرفانی، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۱۹۷/۱۴، برگ ۱۹۹ تا ۲۰۹.
- همدانی، میرسیدعلی (۱۰۶۴) «رساله منامیه»، مجموعه خطی شرح الفصول و رسائل دیگر، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۱۵۹/۸، برگ ۶۵۱ تا ۶۷۰.
- همدانی، میرسیدعلی (بی تا) «رساله منامیه»، جنگ مشتمل بر رساله قاسم انوار و اشعار مولوی و عطار و غیره، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۷، برگ ۱۸۲ تا ۱۹۶.